

فضا در بر می‌گیرد و انتقال این امواج و انرژی‌ها توسط همین تارها صورت می‌پذیرد.

مولانا در خصوص طیف نوری و طیف جذبی اجسام خلقت می‌گوید:

گفتی اندر باطنش دریاستی	جمله دریا، گوهر گویاستی
نور هر گوهر کز او تابان شدی	حق و باطل را از او فرقان شدی
نور فرقان، فرق کردی بهر ما	ذره ذره حق و باطل را جدا
نور گوهر، نور چشم ما شدی	هم سؤال و هم جواب ما شدی

و در جذب طیف نور و راه‌ها (تارهای) نوری موجود در خلقت می‌گوید:

از ره پنهان که دور از حس ماست	آفتاب چرخ را بس راه‌هاست
آن رهی که، زر بیابد قوت از او	آن رهی که، سنگ شد یاقوت از او
و آن رهی که، سرخ سازد لعل را	و آن رهی که، برق بخشد نعل را
آن رهی که، پخته سازد میوه را	و آن رهی که، دل دهد کالیوه را

این کنش و واکنش و تبادل انرژی بین محیط و ماده، از جاندار و بی‌جان، جامد و مایع و گاز دائماً وجود دارد و جذب و تابش نور به طور مستمر اتفاق می‌افتد.

انتشار امواج الکترومغناطیس و برخی انرژی‌های مافوق آن نیاز به محیط مادی ندارد و در جامد و مایع و گاز و فضای خلاء منتشر می‌شود.

آیا بدن انسان می‌تواند منبع تولید امواج الکترومغناطیس

و برخی انرژی‌های خاص باشد که از هر مانعی عبور کند؟ همان‌گونه که گفته شد بدن انسان از میلیاردها اتم تشکیل شده است، که هر یک دارای یک یا چند الکترون باردار می‌باشد که دائماً در حال حرکت به دور هسته‌ی اتم هستند.

از طرف دیگر بدن انسان از نوع اجسام رسانا می‌باشد. اجسام رسانا، اجسامی هستند که دارای الکترون آزاد می‌باشند. الکترون آزاد، الکترونی است که به هیچ اتمی از جسم وابسته نیست و به طور آزاد و به شکل کاتوره‌ای به همه‌ی جای جسم رفت و آمد می‌کند. از طرف دیگر نیز در ترکیبات شیمیایی سلول‌ها و تولید پروتئین‌ها، یون‌های باردار به وجود می‌آیند.

بنابراین در بدن انسان میلیاردها ذرات بارداری وجود دارد که دائماً در حرکت هستند.

جریان الکتریکی (جریان برق)

جریان الکتریکی از حرکت پیوسته بارهای الکتریکی حاصل می‌شود. بنابراین در بدن انسان جریان‌های الکتریکی بسیاری وجود دارد.

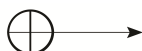

میدان مغناطیسی حاصل از جریان الکتریکی:

در اطراف راستایی که حامل جریان الکتریکی است، فضایی وجود دارد که در آن فضا، خاصیت آهن‌ربایی مشاهده می‌شود. به آن فضا

میدان مغناطیسی گویند.

میدان الکتریکی

یک بار الکتریکی در هر نقطه از فضای اطراف خود، خاصیتی ایجاد می‌کند که در آن فضا به ذرات باردار دیگر نیرو وارد می‌شود. به آن فضا میدان الکتریکی گویند.

میدان الکتریکی در اطراف بار مثبت به طرف خارج  و در اطراف بار منفی به طرف داخل است. 

نکته: امواج الکترومغناطیس از تغییرات میدان‌های الکتریکی و مغناطیسی حاصل می‌شود.

به بدن انسان برمی‌گردیم:

وجود ذرات باردار در بدن انسان باعث ایجاد میدان الکتریکی و حرکت این ذرات موجب به وجود آمدن جریان الکتریکی است. جریان الکتریکی نیز در اطراف خود میدان مغناطیسی را به وجود می‌آورد. بنابراین همه‌ی شرایط برای اینکه بدن انسان امواج الکترومغناطیس تولید نماید، موجود است.

در علم پزشکی نیز از میدان‌های مغناطیسی اتم‌های بدن برای تشخیص و درمان درد استفاده می‌شود. به عنوان مثال میدان مغناطیسی حاصل از برخی اتم‌های بدن مانند اتم هیدروژن که

بسیاری از آن در بدن وجود دارد. به وسیله‌ی دستگاه M.R.I تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در زمان وصل و قطع جریان دستگاه، تغییرات جهت میدان مغناطیسی وابسته به این اتم‌ها، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر اتم‌ها و مولکول‌های بدن منابعی هستند که با کسب انرژی اضافی می‌توانند فوتون‌های نور به محیط تابش کنند. علم کوانتوم در خصوص برانگیخته شدن اتم‌هایی مانند اتم هیدروژن نظرات روشنی بیان نموده است. لیکن در خصوص مولکول‌های مرکبی که از اتم‌های عناصر مختلف تشکیل شده است، مانند مولکول‌های بدن انسان، پیچیدگی‌های خاصی وجود دارد. مخصوصاً مولکول‌های بدن که سلول‌های زنده‌ای را تشکیل می‌دهند.

اتم‌ها و مولکول‌های جامدات و گازها برای برانگیخته شدن و تولید فوتون نور نیاز به کسب مقدار معینی انرژی از محیط برای رسیدن به دمای خاصی دارند.

اما در مورد سلول‌های زنده‌ای مانند سلول‌های بدن انسان با احتمال زیاد می‌توان تصور کرد که چون سلول زنده است، بین اتم‌های عناصر مختلف و اجزای تشکیل دهنده سلول، دائماً تبادل انرژی وجود دارد.

از طرف دیگر هر سلول با محیط اطراف خود تبادل انرژی دارد. این تبادل انرژی آنقدر ادامه می‌یابد تا جایی که اعضاء و اندام بدن

انسان با یکدیگر و با محیط دائماً در حال تبادل انرژی هستند. بنابراین با درصد احتمال بسیار خوبی می‌توان تصور کرد: امکان دارد اتم‌های بدن انسان، با این مقدار تبادل انرژی درونی و بیرونی، هر لحظه میلیون‌ها بار برانگیخته شوند و انرژی کسب کرده را به محیط تابش کنند. البته این داد و ستد انرژی ذرات به طور ناگهانی و حرکت الکترون به صورت جهشی است. به طوری که در هر لحظه تبادل انرژی میلیون‌ها بار قطع و وصل می‌شود.

این حالت تبادل انرژی با نظریه‌ی حرکت جوهری نیز به گونه‌ای سازگاری دارد. در این پدیده سرعت این تبادل انرژی و تابش به محیط به حدی زیاد است، که نه تنها هیچ انقطایی در آن مشاهده نمی‌شود، بلکه جزئی نامحسوس از ذات محیط شده که توجه را به خود جلب نمی‌کند.

سلول‌های بدن انسان نیز دائماً در حال جایگزینی و نو شدن است. *يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي* که مفاهیم قرآن کریم می‌فرماید در طول زندگی انسان به طور مکرر اتفاق می‌افتد این مرگ و رجعت در طول عمر آنقدر لحظه‌ای، آنی و سریع است که هیچ انقطاعی در زنده بودن حس نمی‌شود. همه‌ی این حالات جز تبادل انرژی درونی و بیرونی بدن انسان نیست.

به قول مولانا:

باز شد که آنا الیه راجعون
مصطفی فرمود دنیا ساعتی است
در هوا کی پاید آید تا خدا

صورت از بی‌صورتی آمد برون
پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی است
فکر ما تیری است از هو در هوا